

## ترامپ "تحریم مسلمان"



دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در هفته های اخیر توانسته توجه جهان را به خود جلب کند. دستور العمل وی چنین است که باید تمام نظریات دیوانه وار خود را که در جریان مبارزات انتخاباتی اش وعده داده بود، تطبیق کند. در آن زمان رسانه های غربی و نظریه پردازان لیبرال به کار بهتر از این توصیه کردند و گفتند که: «وضعیت را از این حالت بیرون برده و در مورد تهدید موجود بر مدنیت و ارزش های آن و طریقه زنده گی با هم باید گفتگو کنیم.»

وی چگونه جرئت کرد که مساوات و برابری را که در راستای آن تلاش های دروغانه زیادی برای ممالک جهان صورت گرفت، زیر پا کند؟ او چگونه می تواند آشکارا یک رئیس جمهور غیر امریکایی و نازی گونه باشد؟ اما از طرف دیگر، صحبت های احساساتی و شعارهای میان تهی وی، لیبرالیست ها را مجبور ساخت تا دو مشکل اساسی را کتمان کنند. مشکلاتی که تنها افراد با یک کاوش عمیق می توانند آن را درک کنند.

مشکل اساسی نخست این است که ترامپ سیاست خارجی و کنترل مرزهایش را طبق آن پیش می برد. این هم در ذات خود یک مشکل است که به اساس آن، او تصمیم می گیرد تا کدام ممالک جهان باید تحریم شوند و کدام ها تحریم نشوند. اما با این واقعیت نمی تواند که راه مهاجرت کشورهای خاصی را مسدود کند.

اصل بحث تهدید تروریستی و یا فلسفه "تروریسم اسلامی" نیست، بلکه اصل بحث دقیقاً به ماهیت امریکا و تمام ممالک مدرن ارتباط دارد که همانا ملیت پرستی است. روی این ملحوظ، کسانی که از دید نژادی و فرهنگی با دولت وی برابری نمی کند، آن ها را ممنوع الدخول اعلام می کند.

حکومت های ملیت پرست مردم و اقوام را در برخورد و تضاد قرار داده و حالت رقابت، دشمنی و تسلط بین اقوام را نیز نهادینه می سازند. فکر جدایی دین از زنده گی، کثرت گرایی، مساوات و جامعه مختلط امریکایی، راه های حل از نظر ایدئولوژی ترامپ نیست. گرچند که این طرز دیدها از خود کدام مشکل در راه یافتن ترامپ به کرسی قدرت به ارمغان نیاورد، اما در آینده از واقعیت های جامعه امریکا بر ما سخن خواهد گفت. افکار و ایدئولوژی های بسیار قوی مانند دولت مردمی، در داخل امریکا آن قدر قوی است که می تواند بر اوضاع تسلط یابد. در حال حاضر عکس العمل های ترامپ بحث

های زیادی روشنگری را بوجود آورده و در داخل جوامع غربی با مخالفت روبرو شده است. هرازگاهی که در کشورهای غربی هویت ملی در معرض تهدید قرار بگیرد، هتلر، چرچیل و ترامپ ناگزیر به انجام چنین کارهای شوند.

بنابر این راه حل این است که حکومت داری ملیتی را باید به یک حکومت واقعی و جهانی تبدیل کنیم که بتواند تمام مشکلات انسانی را حل ساخته و پاسخگوی همه نیازمندی های بشری باشد. دولتی که بتواند ابرقدرت جهانی شود و باید فقط بر اساس عقلانی و شرعی، بدون مرز مشخص پایه گذاری شده و هدف اش این باشد تا به همه انسانیت حقوق قایل شده و تابعیت اش را گسترش دهد. قطعاً در چنین حالت، کثرت گرایی و مساوات هیچ ضرورت نبوده و نه هم کس ایرادی بر آن خواهد داشت. بدلیل این که مشکلات رقابت و تلاش برای تسلط یک گروه بالای گروهی دیگر ریشه کن می شود. و این دولت عبارت از خلافت اسلامی بوده و بهترین راه حل برای سرشت وحشیانه قوم گرایی، نژاد گرایی و رقابت در سراسر جهان است. این طرز دولت داری همانند طرز دولت داری لیبرالی یا جامعه گرایی که بر اساس افکار عکس العملی؛ مانند: کثرت گرایی و مساوات پایه گذاری شده اند، نمی باشد. خلافت حکومت و دولت جهانی برای همه بشریت در هر وقت و زمان است.

این نقطه ما را تدریجاً به مشکل اساسی دومی نزدیک می سازد که توسط پدیده به نام ترامپ مطرح است و این طریقه عجیبی است که مسلمانان در غرب با لیبرال ها همسو شده و در مقابل سیاست های ترامپ به مثل آن ها متمایز ظاهر می شوند. اگر مسلمانان یا کسانی که به خلافت باور دارند، خلافت را منحنیث پیام و خواست سیاسی شان و یا به حیث فرصت موجود برای جهان حمل نکنند، پس چه کسانی آن را حمل خواهند کرد؟ این کار برای یک کافر با وجود داشتن اجازه حق تابعیت کامل در خلافت، هیچ احساسی تولید نمی کند تا به جای یک مسلمان برای خلافت کار کند.

اگر مسلمانان طبق افکار مروج سیکولریزم شروع برحمل افکار اسلامی اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کنند، در این صورت ما بخشی از مشکل خواهیم بود. برای امت رسول الله صلی الله علیه وسلم شدیداً نیاز است تا برای کسب حقوق همسان کار کنند. ما به زودی معیارهای جهانی را تعیین خواهیم کرد، این که با اتباع چگونه برخورد شود؟ و یا چگونه نژاد های مختلف با هم رفتار کنند؟ سیاست خارجی چگونه باید عملی شود؟ و این که چگونه سیستم مهاجرت و گذرنامه با دولت های محارب به پیش برود؟ این همه ناممکن است، تا این که ما خلافت خود را داشته باشیم و شریعت را بر اساس عقیده ما بالای ما تطبیق کند.

در قدم نخست برای هم چو تغییر سیاسی نیاز است که اساسات فکری نظام باید در مقابل فکر حاکم ابلاغ شده و کار برای خلافت از دید سیاسی و رد سیکولریزم و ارزش های لیبرالی به پیش گرفته می شود.

نویسنده: یوسف برهان

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۷ جمادی الاول ۱۴۳۸ هـ.ق

۴ فبروری ۲۰۱۷ م